



چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱ | ۱۰ جمادی‌الثنی ۱۴۳۲
| روزنامه جوان | شماره ۳۴۳۲

شیمی‌هفتگی
اجتماعی



گفت‌وگو

حیوانات خانگی

این حقیقت تثبیت شده‌ای است که هر چه جوامع از سنتی به سمت معنیتی شدن پیش می‌روند، عواطف خانوادگی و روابط عاطفی در آنها کمتر می‌شود. خبر در چنین شرایطی یکی از چیزهایی که می‌تواند این عواطف کم‌رنگ شده را تلطیف کند، موجود زنده‌ای است که نوعی انگیزه ایجاد می‌کند

Interview

Pets

گزارش «جوان» از بیمارستان حیوانات خانگی در شمال شهر تهران

اینجامریضخانه حیوانات مرفه!

پربا
خداقلی زاده

جوجه رنگی‌ها را یادتان می‌آید، همان‌ها که امکان ندارد هر کدامان حداقل یک بار نگرفته باشیم و بزرگ نکرده باشیم، شاید آن وقت‌ها نمی‌دانستیم فلسفه این عشق ذاتی کودکی‌مان به بزرگ کردن یک حیوان کوچک چه بود؛ همان چیزی که این روزها از آن به خوی مسالمت‌آمیز و محبت‌آمیز یاد می‌شود. بعد از آن هم در کتاب دوم ابتدایی‌مان درس حسسنگ کجایی. حسسنگ پسر مهربانی بود که حیوانات او را دوست داشتند و اگر دیر می‌کرد صدایش می‌زدند. وقتی بزرگ‌تر شدیم این درس حذف شد. دیگر مثل قبل دنبال جوجه خریدن نبودیم و علاقه‌مان به قناری و فتیج و پرندۀ هم کم‌رنگ شد. دنیای مدرن انگار اجازه نمی‌داد به مهربانی حسسنگ کودکی‌هایمان باشیم و کم‌کم این احساس با زندگی در آپارتمان‌های کوچک برای همیشه از بین رفت.

حیوان دوستی ما جای خودش را داد به تابوهای غول‌پیکری که حاصل مقاومت در برابرش شد، آمدن میمون و مار و ایگوانا و شیر به زندگی‌های شهری! معلوم نیست از کجا و چطور این فرهنگ افراطی میان ما جا خوش کرد. گاندی جایی گفته است: «ایرانیان یکی از حیوان دوست‌ترین مردم دنیا هستند» و گفته: «اگر می‌خواهید به فرهنگ یک ملت پی ببرید، رفتار مردمان آن را با حیوانات ببینید» اما امروز مثل بسیاری از رفتارهای ما که رنگ و بوی افراط به خود گرفته و از مسیر اصلی‌اش خارج شده، گاهی حیوان دوستی ما هم آن مسیر تعادلی خود را از دست داده است، با این همه وقتی یک نیازی فراگیر می‌شود، پاسخ به آن مسیر یک ضرورت می‌شود، چه آنکه ما با آن ضرورت کنار آمده باشیم یا نه. سال‌های نه چندان دور اگر حیوانی نصف شب یا مثلاً آخر هفته مریض می‌شد یا حادثه‌ای می‌دید، باید تا اول هفته در را تحمل می‌کرد تا در نهایت اگر زنده می‌ماند شبیه می‌رساندنش به کلینیک دامپزشکی دانشگاه، یعنی خدمات اورژانس برای حیوانات به معنای امروزی تعریف نشده بود. این درست همان جای خالی بود که هم گروه‌های حمایت از حیوانات به آن معترض بودند و هم صاحبان حیوانات خانگی از نبود آن نگران اما این روزها با گسترش فعالیت بیمارستان شبانه‌روزی حیوانات این دغدغه‌ها کم‌رنگ‌تر شده، این حرف کسانی است که برای رسیدگی به مشکلات حیواناتشان به بیمارستان حیوانات آمده‌اند و از خدمات گسترده این بیمارستان که از چکاپ ساده گرفته تا جراحی‌های تخصصی را شامل می‌شود، به شدت راضی هستند. خلاهایی که در باره نگهداری از حیوانات خانگی وجود دارد به اضافه حرف‌های مراجعان تنها بیمارستان تخصصی دامپزشکی ایران بهانه‌ای شد برای گفت‌وگو با دکتر پیام محبی، رئیس بیمارستان شبانه‌روزی حیوانات تهران.



راهاندازی این بیمارستان ابتدا با واکنش‌های مختلفی از سوی افراد مختلف روبه‌رو شد اما نکته اصلی اینجا بود که کمتر کسی به بعد روانی این موضوع توجه کرد. در واقع هدف اصلی ما برای ایجاد چنین مکانی دامن زدن یا ترویج حیوان داشتن یا نداشتن نبود بلکه توجه به نیاز کسانی بود که به هر دلیلی علاقه به داشتن حیوان خانگی داشتند اما به دلیل نبود یک مرکز جامع و دائم برای مطلع شدن از سلامتی و درمان و نگهداری مناسب حیواناتشان با دشواری‌های زیادی روبه‌رو بودند، پس قدم اول در کنار احترام به هر یک طیفی از مردم تأمین نیازهای آنها آن هم به صورت قانونمند بود. نکته جالب اینجااست که امروز ظاهراً

موضوع اصلی بر سر حیوان داشتن یا نداشتن نیست، بر سر چه حیوانی داشتن است، مثلاً کمتر کسی را می‌بینیم که نسبت به داشتن اکواریوم و ماهی‌های زینتی یا پرندگان یا موش و خرگوش واکنش نشان دهند اما همین که این حیوان تبدیل می‌شود به سگ و گربه نوع نگاه و نظرات متفاوت می‌شود. در واقع این حقیقت تثبیت‌شده‌ای است که هر چه جوامع از سنتی به سمت معنیتی شدن پیش می‌روند، عواطف خانوادگی و روابط عاطفی در آنها کمتر می‌شود. خبر در چنین شرایطی یکی از چیزهایی که به زعم برخی افراد می‌تواند این عواطف کم‌رنگ شده را تلطیف کند، موجود زنده‌ای است که نوعی احساس مسئولیت و امید و انگیزه ایجاد می‌کند.

به نظر شما با گرایش به سمت نگهداری از حیوانات خانگی شکاف عاطفی و انسانی بین افراد یک خانواده ایجاد نمی‌شود، مثلاً افراد را به زندگی مجردی و مستقل تشویق نمی‌کند؟

رفتار شهرداری با حیوانات غیر مسئولانه است

رئیس بیمارستان حیوانات با انتقاد از برخی رفتارهای غیر کارشناسانه مسئولان شهرداری با حیوانات می‌گوید: متأسفانه برای چندمین بار شاهد بودیم طرحی با عنوان جمع‌آوری سگ‌ها بدون هیچ پشتوانه کارشناسی و علمی از سر گرفته شد. مسئولان نیروی انتظامی در زمان اجرای این طرح عنوان کرده بودند که مبنای بر خورد با سگ‌ها نجس بودن آن است، این موضوع در حالی بود که در شرع مقدس نیز نوع مواجهه با حیوان نجس کاملاً مشخص شده و هیچ کجا ضرب و شتم و بازداشت و ریختن خون حیوانات به صرف نجس بودن آنها مجاز و مباح دانسته نشده است. در ضمن همان طور که در نامه‌ای که خطاب به وزیر کشور در این خصوص نوشته بودیم، صاحبان و دارندگان حیوانات افرادی با تشخیص اجتماعی از طبقات مختلف اجتماع هستند و شایسته نیست که با آنها برخوردی صورت بگیرد که معمولاً با ازال و اوباش در طرح‌های ویژه نیروی انتظامی انجام می‌شود. همان طور که قبلاً هم به این موضوع اشاره کردم، چه قبول داشته باشیم و چه نداشته باشیم نگهداری حیوانات در حال حاضر به یک نیاز برای خانواده‌ها در سراسر جهان تبدیل شده و بعداً است با برخوردای عجولانه و بعضاً غیر کارشناسانه بتوان این نیاز را خاموش کرد. رفتارهایی از این دست صرفاً باعث می‌شود افراد از ترس دستگیری از آوردن حیوان خود به مراکز درمانی برای انجام واکسیناسیون و سایر امور بهداشتی و درمانی خودداری کنند و پیامد این رفتار نه تنها حیوان که در نهایت گرینانگیر خانواده و جامعه شده و باعث به خطر افتادن بهداشت و سلامت افراد می‌شود.



فرهنگ زیرزمینی

اگر جامعه به سمتی برود که نیاز به واکنشی را به هر دلیلی در خود احساس کند چه قانونی و چه غیر قانونی آن نیاز تبدیل به یک فرهنگ می‌شود. خب حالا وظیفه ناظران و مسئولان حساس تر می‌شود. اگر این نیاز وجه قانونی پیدا کند، قطعاً نظارت و کنترل بیشتر می‌شود و درصد جرائم پایین تر می‌آید اما اگر از همان ابتدا بر خوردهای سختگیرانه و حتی مهر غیرقانونی بودن به آن رفتار الحاق شود، نتیجه کار می‌شود گسترش یک فرهنگ به شکل زیرزمینی و این گذاشتن مسیر دلالت و واسطه‌هایی که بدون نظارت و کنترل پیشتر می‌شود و درصد جرائم پایین تر می‌آید اما اگر از همان ابتدا بر خوردهای سختگیرانه و حتی مهر غیرقانونی بودن به آن رفتار الحاق شود، نتیجه کار می‌شود گسترش یک فرهنگ به شکل زیرزمینی و این گذاشتن مسیر دلالت و واسطه‌هایی که بدون نظارت قصد کلاهبرداری را دارند

سال‌ها پیش به آن پی برده بودند، دارند. من زمانی که شنیدم درس حسسنگ کجایی از کتاب درسی حذف شد، واقعاً متأسر شدم چراکه این درس در عین سادگی و رسایی به خوبی رابطه واقعی و نیاز حیوان خانگی را به صاحبش و کسی که او را دوست داشته باشد و به او عشق بورزد به زبان کودکانه نشان می‌داد. این به معنای آن بود که کسی که می‌تواند به یک حیوان کوچک عشق بورزد و با مهربانی از او نگهداری و او را بزرگ کند، قطعاً در رابطه‌های اجتماعی هم انسان موفق خواهد بود چون راه محبت کردن را از سال‌ها قبل آموخته‌اند این موضوع امروزه تغییر دیگری پیدا کرده است. برخشگری‌های اجتماعی، ناملایمت‌ها، پایین آمدن آستانه تحمل و... مردمانی که عموماً خسته از دغدغه‌های روزمره هستند و مدام در کلاف پیچیده زندگی شهری دست و پا می‌زنند، قبل از اینکه ابتدایی‌ترین اصول محبت کردن و عشق ورزیدن را بیاموزند، تشکیل خانواده می‌دهند و صاحب فرزند می‌شوند و در شکاف‌ها را از بین می‌برد.

من گمان می‌کنم که ما اینجا به هم اختلاف داریم و آن اینکه معمولاً استاندارد ما به آمار و تحقیقات متعلق به جوامع و فرهنگ‌هایی است که مسلمان‌گرایش‌ها و هنجارهای آنها با ما بسیار متفاوت است، البته می‌پذیرم که جامعه ما هم در حال دگردیسی است و فعالیت این بیمارستان نشان‌دهنده بخشی از این تحول است.

بله، صحبت من هم بر سر همین تحول است. حیوان درمانی، تربیت و کمک گرفتن از حیوانات برای بیماری‌های خاص و نگهداری کودک و سالمندان به عنوان محافظ نمونه‌های کوچکی از قابلیت‌های حیوانات در زندگی مدرن ماست. متأسفانه خیلی‌ها تصور می‌کنند ورود حیوان خانگی به محیط زندگی و خانه جای دیگر اعضا یا حتی فرزند را می‌گیرد، در حالی که آنها فقط جای تعریف شده خودش را که نیاکان ما از

چنین شرایطی بالا رفتن آمار از هم پاشیدن خانواده‌ها و حتی تلخ‌تر از آن کودکان آزاری‌ها و قتل‌ها اتفاق عجیبی نخواهد بود.

من هم می‌پذیرم که ما اگر کسانی را که می‌خواهند حیوان خانگی داشته باشند محدود کنیم، اگر ماشین‌ها پشان را توقیف کنیم، اگر بیمارستان و کلینیک و داروخانه و از همه مهم‌تر نیاز به توجه را از این افراد بگیریم، واقعاً فرهنگ نگهداری از حیوانات متوقف نمی‌شود، اصلاً ما دنبال این هم نیستیم، ولی تبدیل شدن این موضوع به یک جریان افراطی و موج اجتماعی خطر ساز است.

اگر جامعه به سمتی برود که نیاز به واکنشی را به هر دلیلی در خود احساس کند چه قانونی و چه غیر قانونی آن نیاز تبدیل به یک فرهنگ می‌شود. خب حالا وظیفه ناظران و مسئولان حساس تر می‌شود. اگر این نیاز وجه قانونی پیدا کند، قطعاً نظارت و کنترل بیشتر می‌شود و درصد جرائم پایین تر می‌آید اما اگر از همان ابتدا بر خوردهای سختگیرانه و حتی مهر غیرقانونی بودن به آن رفتار الحاق شود، نتیجه کار می‌شود گسترش یک فرهنگ به شکل زیرزمینی و این دقیقاً باعث باز گذاشتن مسیر دلالت و واسطه‌هایی که بدون نظارت قصد کلاهبرداری را دارند، مثلاً زمانی که بازار حیوانات خیابان مولوی به صورت پراکنده و زیرزمینی فعالیت می‌کرد، جرائم و تخلفات زیادی مثل قاچاق حیوانات و خرید و فروش حیوانات به صورت غیرقانونی و غیربهداشتی ایجاد می‌کرد اما از وقتی که همین صنف با وجه قانونی به بازار بزرگ خلیج فارس منتقل شدند، نظارت‌ها بیشتر و درصد فعالیت‌های غیرقانونی به میزان زیادی کم شد. اگر بخواهیم از یک طرف دیگر به این موضوع نگاه کنیم می‌توانیم بگوییم که بیمارستان حیوانات جزو شلوغ‌ترین و پرمقراضی‌ترین بیمارستان‌های دنیاست. در بیمارستان مشابهی در امریکا روزانه به طور متوسط بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر مراجعه می‌کنند در حالی که متوسط مراجعان روزانه ما برای درمان و رسیدگی به امور حیوانات خانگی شان گاهی بیشتر از ۱۵۰ نفر است، یعنی تعداد پرونده‌های مراجعان ثابت ما نشان می‌دهد فقط در شهر تهران چندین هزار خانواده حیوان خانگی نگهداری می‌کنند، خب حالا ما باید بگوییم چون بیمارستان حیوانات تأسیس شده این تعداد علاقه‌مند به خرید و نگهداری از حیوانات خانگی شده‌اند؟ چنین چیزی نه تنها

روایتی از یک اتفاق نادر

یکی از اتفاق‌های عجیبی که در این بیمارستان سال‌ها پیش افتاده و در بسیاری از خبرگزاری‌های حتی خارجی هم منعکس شده است، ماجرای سگی است که بر اثر تصادف به شدت آسیب دیده بود. یکی روز صبح زمانی که کارمندان بیمارستان طبق روال معمول مشغول باز کردن در ورودی بودند با کمال تعجب سگی را می‌بینند که در حالی که بر اثر تصادف به شدت ضربه خورده، تنها مقابل در منتظر نشست. این اتفاق باعث می‌شود تیم دامپزشکی بیمارستان با عزمی جدی‌تر حیوان را جراحی و درمان کنند و تا زمانی که بهبودی کامل پیدا کرد از این سگ در بیمارستان نگهداری شود. این اتفاق عجیب برای بسیاری باور نکردنی بود. اینکه یک حیوان بدون داشتن صاحب و راهنما بعد از تصادف خودش را به بیمارستان حیوانات برساند، اتفاقی که در عین عجیبی شاید سراسر آغاز باور جدیدی بود؛ باوری که با زبان بی‌زبانی می‌گوید حیوانات به صرف حیوان بودن نباید قربانی آدم‌هایی شوند که با تصاحب زیستگاه آنها هرج و اپارتمان ساخته‌اند!



عکس: پربا خداقلی زاده

غیرعقلانی که خنده‌دار است. در واقع این تعداد افراد متقاضی همیشه وجود دارند و فقط نوع قانوننگاری هاست که به آنها وجه قانونمندی یا غیرقانونی بودن می‌بخشد.

چرا گرایش به نگهداری از حیوانات غیر متعارف که اصلاً جای نگهداری آنها در خانه نیست روبه افزایش است، حیواناتی مثل مار، ایگوانا، پرندۀهای شکاری و حتی غیر متعارف تر از آنها بچه‌شیر.

متأسفانه این دقیقاً همان موضوعی است که نگرانی‌های زیادی را برای خود ما نیز ایجاد کرده است. این اتفاق تلخ که به شدت موجب انقراض گونه‌های حیات وحش با ارزش و نادر ما می‌شود، حاصل عقب افتادگی ما در زمینه حفاظت از محیط‌زیست طبیعی است، درست مثل خلأهای جدی که در زمینه دامپزشکی وجود دارد. سنجاب در اغلب کشورهای دنیا مثل سگ و گربه در خیابان‌ها و روی درخت‌ها دیده می‌شود در حالی که سنجاب کر دستان که جزو گونه‌های پارزش است، رو به انقراض است و کسی این موضوع را جدی نمی‌گیرد یا الا آن که باید به فکر حفظ گونه‌هایی که داریم باشیم، با هزینه‌های کلان سرگرم احیای گونه‌های نابود شده هستیم. به نظر می‌رسد در شرایط اینچنینی که سمندر لرستانی و یوز آسیایی در خطر انقراض هستند، احیای ببر سیبری یا شیر ایرانی که سال‌ها پیش منقرض شدند نباید اولویت ما باشد. وقتی محیط‌زیست وظیفه خود را به خوبی انجام نمی‌دهد راه برای ورود قاچاقچیان راحت‌تر باز می‌شود. زمانی هم که پلیس بیشتر توجه خودش را به این می‌دهد که کسی سگ و گربه‌اش را بیرون نیاورد و برعکس به موضوع مهم‌تری مثل قاچاق حیوانات خانگی آنقدرها که باید توجهی نمی‌شود به استباه این باور در ذهن عموم شکل می‌گیرد که مثلاً نگهداری یک مارمولک استوایی در دسر کمتری نسبت به نگهداری سگ دارد. در نتیجه حیوانی که اصلاً متعلق به زیست بوم شهری نیست وارد آپارتمان می‌شود و قطعاً مشکلات خاص خود را به همراه دارد، یعنی زمانی که برای داشتن حیوان خانگی متعارف فشار وجود داشته باشد ناخودآگاه افراد به داشتن حیوان خانگی غیر متعارف ترجیح می‌شوند و این موضوعی است که در سال‌های اخیر نگران‌کننده شده است.

